

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال پانزدهم شماره ۵۷ بهار ۱۳۹۹

برازش مدل علی مبتنی بر پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک دلبستگی و ویژگی شخصیتی با میانجیگری ارتباط موثر همسران در زنان

رزیتا پارپایی^۱، حسن امیری^{۲*}، مختار عارفی^۳

۱- گروه روانشناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲- گروه روانشناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۳- گروه روانشناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی برازش مدل علی مبتنی بر رضایت زناشویی بر اساس سبک دلبستگی و ویژگی شخصیتی با میانجیگری ارتباط موثر همسران انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان پایه ششم دبستان‌های پسرانه و دخترانه شهر شیراز به همراه مادرشان در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ تشکیل می‌دادند. حجم نمونه بر اساس نمونه‌گیری تصادفی مبتنی بر سهم از نه منطقه آموزش و پرورش شهر شیراز مطابق با نظر رایکو و مارکونلیدز (۲۰۰۶) به تعداد ۲۶۰ نفر انتخاب گردید. شرکت کنندگان پرسشنامه‌های سبک دلبستگی بزرگسالان، آزمون شخصیتی نئو، مقیاس زوجی انریچ و الگوی ارتباط موثر همسران را همراه با مادرشان تکمیل کردند. داده‌ها با روش همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار SPSS22 و AMOS23 تحلیل شدند. نتایج نشان از برازش نهایی الگوی ارائه شده دارد. یافته‌های بدست آمده نشان داد سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با نقش میانجی ارتباط موثر همسران می‌توانند رضایت زناشویی را تبیین کنند ($P \leq 0.01$). بطور کلی نتایج حاکی از آن بود که رضایت زناشویی تحت تاثیر عوامل درون فردی بویژه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل بین فردی مانند سبک‌های دلبستگی است. گفتنی است با افزایش ارتباط موثر در میان زوجین رضایت زناشویی بیشتر می‌شود.

کلیدواژه: سبک دلبستگی؛ ویژگی شخصیتی؛ رضایت زناشویی؛ ارتباط موثر همسران

مقدمه

خانواده نخستین و منحصر به فردترین نهاد اجتماعی و جایگاهی امن برای ارضای نیازهای گوناگون جسمانی، عقلانی و عاطفی است (خومیه هو و تارزناش^۱، ۲۰۱۹) که سلامت و موفقیت یک جامعه را مرهون سلامت و رضایتمندی اعضای آن دانسته‌اند. از آنجا که بنیان اصلی خانواده را زن و شوهر می‌سازند، بنابراین روابط بین آنها بسیار مهم است. روابط زناشویی رضایت بخش، سنگ زیرین عملکرد خوب خانواده را بنا می‌نهد (الری و وایدیر^۲، ۲۰۰۵).

رضایت زناشویی، یکی از شاخص‌های مهم ازدواج موفق، بقا و سلامت خانواده محسوب می‌شود و از دیرباز مورد توجه مولفان و پژوهشگران بوده است. در همین راستا الیس^۳ (۱۹۹۲)، رضایت زناشویی را از احساسات مرتبط با خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر ناشی می‌داند (عارفی، نوابی نژاد، شفیع آبادی و کیامنش، ۱۳۹۱). رضایت یک متغیر نگرشی است و بنابراین یک خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می‌شود (وایزمن، گیلومر، سلینگر^۴، ۲۰۱۸). رضایت فرد از رابطه زناشویی موجب رضایت وی از خانواده شده و رضایت از خانواده در حکم رضایت از زندگی به طور کلی می‌باشد (محرابی و عظیمی، ۱۳۹۵).

از طرفی بررسی الگوی ارتباطی همسران و کیفیت زناشویی ممکن نیست، مگر آن که اجزای تشکیل دهنده رابطه زناشویی، عواملی را که بر آن تاثیر می‌گذارند و از آن تاثیر می‌پذیرند به خوبی شناخته شوند. در این تحقیق از میان عوامل بسیاری که بر رضایت زناشویی تاثیر می‌گذارند، نوع سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و نحوه‌ی تعامل همسران مورد توجه قرار می‌گیرد. بررسی عوامل موثر در رضایت زناشویی از این جهت حائز اهمیت است که رضایت فرد از زندگی زناشویی بخش مهمی از سلامت فردی محسوب می‌گردد (آلن دورف^۵، ۲۰۱۳).

روان شناسان برای نخستین بار کوشیدند عواملی که می‌تواند احساس رضایت افراد در زندگی مشترک را افزایش دهد شناسایی کنند. در بین تمامی عوامل شناخته شده، سبک‌های دلبستگی (عامل بین فردی) و ویژگی‌های شخصیتی (عامل درون فردی) از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی می‌باشند (صیادپور، ۱۳۸۴).

یکی از موثرترین نظریه‌ها در مطالعه روابط بین فردی، نظریه دلبستگی است که در دوران کودکی فرد شکل گرفته (بالبی^۶، ۱۹۸۸) تا جایی که برخی از انواع روابط اجتماعی در دوران بزرگسالی به شدت تحت تاثیر دلبستگی‌های دوران کودکی میان فرد و مراقب اولیه‌اش قرار می‌گیرد (رن^۷، ۲۰۱۶). موضوع دلبستگی از زوایای مختلفی مورد پژوهش قرار گرفته است. برای نمونه، شاور، هازن و برادشاو با مطرح کردن عشق احساسی، تداوم فرایند دلبستگی را در بزرگسالی تایید کردند و شکل‌گیری شیوه‌های ارتباطی سه گانه ایمن، اجتنابی (نا ایمن) و اضطرابی (نا ایمن) را که با سه شیوه اصلی دلبستگی دوره کودکی برابری دارند مورد بررسی نمودند (شاور، هازن و برادشاو^۸، ۱۹۸۸). سبک دلبستگی یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تاثیر می‌گذارد (تولر و استولماچر^۹، ۲۰۱۳). در این میان تحقیقات متعدد نشان داده که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، از زندگی زناشویی خود رضایت بیشتری داشته‌اند (هالیست و میلر^{۱۰}، ۲۰۰۵) در مقابل افراد با سبک دلبستگی نا ایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در روابط بزرگسالی خود سطح پایینی از رضایت، تعهد و اطمینان را نشان می‌دهند (اما التجلت و اندرا ملترز^{۱۱}، ۲۰۱۹؛ نوفتل و شاور^۱، ۲۰۰۶؛ عارفی و

1. Xuemei Hu, & Tarrezz Nash
 2. O'leary & Vidair
 2. Ellis
 4. Whisman, Gilmour & Salinger
 5. Allendorf
 6. Bowlby
 7. Ron
 8. Shaver, Hazan & Bradshaw
 9. Towler & Stuhmacher
 10. Hollist & Miller
 11. Emma E. Altgelt & Andrea L. Meltzer

همکاران، ۱۳۹۳؛ عارفی و محسن زاده، ۱۳۹۱). تجارب دل‌بستگی نا ایمن در دوره کودکی نقش تعیین کننده در آسیب های دوره بزرگسالی دارد (میناتی، کلاری، پینی^۲، ۲۰۱۷).

تحقیقات نشان می‌دهد که شخصیت همسران سهم مهمی در زیر بنای روان شناختی روابط پایدار دارد و پیش بینی کننده کلیدی برای روابط موفق یا ناکارآمد است (ونجلیست^۳، ۲۰۱۱). شخصیت، بیانگر آن دسته از ویژگی های فرد یا افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری آنهاست. مسلماً این ویژگیهای شخصیتی در تمام زمینه های زندگی و روابط اجتماعی انسان جلوه گر می‌شود و مسئله پر اهمیتی چون ازدواج، سازگاری زن و شوهر و رضایت زناشویی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد (دانش، ۱۳۸۴). در این میان یکی از بهترین الگوهای ارائه شده در زمینه بررسی تاثیر ویژگیهای شخصیتی، مدل پنج عاملی شخصیتی نئو است (مید^۴، ۲۰۰۵). محققین زیادی با استفاده از این مدل نقش ویژگیهای شخصیت را در سازگاری و نا سازگاری های زناشویی بررسی کرده‌اند. مدل پنج عاملی بزرگ، پنج ویژگی شخصیتی شامل روان رنجورخویی، برون گرایی، باز بودن نسبت به تغییر، توافق پذیری و وجدان گرایی را بررسی می‌کند (دول و اسکرودر^۵، ۲۰۰۱). گاتمن، کارنی و برادبوری معتقدند برخی ویژگی‌های شخصیتی مانند روان رنجوری، به تجربه عواطف منفی تمایل دارند (تامارا و بمنت^۶، ۲۰۱۵) و آسیب‌پذیری‌های پایداری را در روابط زناشویی به وجود می‌آورند و احتمال بروز طلاق را افزایش می‌دهند (جارویس^۷، ۲۰۰۶) تلاش هدفمند برای حفظ و ثبات روابط زناشویی بیشتر، خودداری از نشان دادن رفتارهای خشونت آمیز و مهار تکانه ها در روابط زناشویی در افراد وظیفه شناس دیده شده است (کوردهک^۸، ۱۹۹۳). به طور کلی تحقیقات وجود رابطه توافق پذیری، وظیفه شناسی، برون‌گرایی و تجربه پذیری بارضایت ارتباط در همسران را نشان می‌دهد (بارلدز^۹، ۲۰۰۵؛ هلر، واتسون و هیز^{۱۰}، ۲۰۰۴؛ دین فورث و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ دکویپر، دی بل و دی فرویت^{۱۲}، ۲۰۱۲). الگوهای ارتباطی بین زوجین یعنی الگوهای درونی شده‌ای که هر زوج با خود به روابط زناشویی می‌آورد و یکی از عوامل بین فردی موثر بر رضایت زناشویی است (جاویدی، ۱۳۹۲). برای یک ازدواج رضایت بخش زن و شوهر نیازمند برقراری ارتباط موثر و کارآمد هستند (کاراهان و فیکرت^{۱۳}، ۲۰۰۷). الگوی ارتباط موثر، الگویی است که در آن همسران سعی می‌کنند در مورد مشکل و مساله ای که در حین ارتباط برای آنها به وجود می‌آید بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز و راه حلی برای مشکلاتشان پیدا نمایند (سانفورد^{۱۴}، ۲۰۱۰). بنابراین ارتباط مناسب در خانواده فرایندی است مداوم که در آن فرستنده و گیرنده پیام به طور فعال در آن دخالت دارند (نوابی نژاد، ۱۳۷۸). افراد با سبک دل‌بستگی نا ایمن، الگوهای مخربی از تعارض و فقدان مذاکره را در گفتگوهای خود نشان می‌دهند (فینری، نولر و کالان^{۱۵}، ۱۹۹۴). پژوهش‌ها ارتباط الگوی ارتباط سازنده متقابل را با ویژگی وظیفه-شناسی نشان داده‌اند (دولان، کانگر و بریانت^{۱۶}، ۲۰۰۴؛ السون^{۱۷}، ۲۰۰۳). اهمیت توجه به الگوهای ارتباطی نه تنها از جهت اثرگذاری

1. Nofhle & Shaver

2. Miniati, Callari & Pini

3. Vanjelist

4. Mead

5. Dole & Schroeder

6. Tamara & Bennett

7. Jarvis

8. Kurdek

9. Barelids

10. Heller, Watson & Hies

11. Dyrenforth, Kashy, Donnellan & Lucas

12. Decuyper, De Bolle & De Fruyt

13. Karahan & Fikret

14. Sanford

15. Feeney, Noller & Callan

16. Donnellane, Conger & Bryant

17. Olson

آن بر میزان رضایت زناشویی بلکه تغییر الگوهای ارتباطی در مقایسه با دیگر عوامل تاثیرگذار در ناسازگاری زناشویی مانند ویژگی‌های شخصیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی عملی‌تر می‌باشد (برزگر و سامانی، ۱۳۹۶).

از جمله دلایل معقول و منطقی مطالعه بر روی جزییات رضایت زناشویی، درک محوریت آن در سلامت خانواده و اشخاص است. پژوهش‌های گوناگونی تاثیر دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی و رابطه موثر همسران را بر رضایت یا کیفیت زناشویی مطالعه کرده‌اند اما در این پژوهش‌ها به هریک از سازه‌های فوق‌الذکر به صورت جداگانه نگریسته شده است یا سازه‌های مورد نظر و تاثیر تعاملی آنها به صورت یک‌جا در یک مدل نگریسته نشده است. بر اساس مرور فشرده‌ی ادبیات رضایت زناشویی یک مدل پیشنهاد می‌شود که فرض میکند رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی را ارتباط موثر همسران میانجی خواهد کرد، هرچند رابطه‌ی مستقیم خود همین متغیرها با رضایت زناشویی به خاطر نتایج متفاوت و گاه متناقض مورد نظر خواهد بود. از طرف دیگر آنچه انجام این پژوهش را ضروری ساخت آمارهای فزاینده طلاق می‌باشد که حکایت می‌کند رضایت زناشویی آسان به دست نمی‌آید یا دست کم همراه با مشکلات گوناگونی است. با توجه به اهمیت رابطه همسران در فرایند نظام خانواده، مساله این است که آیا مدل یا الگویی وجود دارد که رضایت زناشویی را بر اساس سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی از طریق میانجیگری ارتباط موثر همسران نشان دهد؟

روش

در این پژوهش روابط متغیرها به صورت مدل علی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از لحاظ روش یک پژوهش همبستگی است و در طرح پژوهش از تحلیل ماتریس کواریانس (تحلیل مدل معادلات ساختاری) استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه ششم دبستان‌های پسرانه و دخترانه شهر شیراز به همراه مادرشان در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود که تعداد آنها ۹۲۳۳۱ نفر است. مطابق با نظر رایکو و مارکونلیز (۲۰۰۶) حداقل حجم نمونه برای مدل‌سازی معادلات ساختاری چنانچه تعداد محاسبات خرده‌مقیاس‌ها از وضعیت سادگی خارج شود بایستی حداقل ۲۶۰ نفر باشد، حجم نمونه پژوهش ۲۶۰ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی مبتنی بر سهم از نه منطقه آموزش و پرورش شهر شیراز با توجه به جنسیت دانش‌آموزان بود. به این صورت که از منطقه (۱)، ۲۸ دانش‌آموز (۱۴ پسر و ۱۴ دختر)، از منطقه (۲)، ۳۶ دانش‌آموز (۱۸ پسر و ۱۸ دختر)، از منطقه (۳)، ۳۴ دانش‌آموز (۱۷ پسر و ۱۷ دختر)، از منطقه (۴)، ۳۸ دانش‌آموز (۱۹ پسر و ۱۹ دختر)، از منطقه (۵)، ۲۷ دانش‌آموز (۱۴ پسر و ۱۳ دختر)، از منطقه (۶)، ۲۶ دانش‌آموز (۱۳ پسر و ۱۳ دختر)، از منطقه (۷)، ۳۸ دانش‌آموز (۲۰ پسر و ۱۸ دختر)، از منطقه (۸)، ۱۱ دانش‌آموز (۶ پسر و ۵ دختر)، از منطقه (۹)، ۲۲ دانش‌آموز (۱۱ پسر و ۱۱ دختر) با لحاظ کردن معیارهای ورود به پژوهش شامل در قید حیات بودن هم پدر و مادر و زندگی مشترک افراد با پدر و مادر و معیار خروج نیز شامل داشتن سابقه بیماری روانشناختی انتخاب گردیدند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان: این مقیاس توسط هازان و شاور (۱۹۸۷) ساخته شده و در ایران توسط رحیمیان بر روی پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان هنجاریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۱۵ گویه است که به هریک از سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا ۵ گویه تعلق می‌گیرد. نمرات خرده‌مقیاس‌های دلبستگی توسط میانگین ۵ سوال هر خرده‌مقیاس به دست می‌آید. تحلیل عامل پرسشنامه توسط کلینز و رید (۱۹۹۰) به استخراج سه عامل عمده دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا منجر شد که توسط پژوهشگران به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط صمیمی و نزدیک تفسیر می‌شود. هازان و شاور پایایی باآزمایی کل این پرسشنامه را ۰.۸۱٪ و پایایی با آلفای کرونباخ ۰.۷۸٪ به دست آوردند. کلینز و رید هم پایایی بالایی با آلفای کرونباخ

۷۸٪ به دست آوردند. هازان و شاور روایی صوری و محتوایی را خوب گزارش نمودند و روایی سازه آن را در حد بسیار مطلوب گزارش نمودند. علاوه بر این اعتبار محتوایی و صوری آن توسط چند تن از متخصصان روانشناسی (اساتید دانشگاه اصفهان) مورد تایید قرار گرفت. میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۷۱. به دست آمد.

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو: این مقیاس فرم کوتاهی از پرسشنامه تجدید نظر شده NEO-RI-R است که توسط کاستا و مک کری (۱۹۹۲) برای ارزیابی سریع پنج عامل اصلی شخصیت طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۰ ماده است که پنج بعد شخصیت بهنجار را که عبارتند از روان رنجور خویی، برونگرایی، گشودگی به تجربه، توافق و وجدانی بودن را اندازه‌گیری می‌کند. پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹. با میانگین ۰/۸۱. متغیر بدست آمد (کاستا و مک کری، ۱۹۹۹) و روایی همزمان پرسشنامه با پرسشنامه های مایرز بریگز، گیلفورد و زاگرن، پرسشنامه شخصیتی مینه سوتا و پرسشنامه تجدید نظر شده کالیفرنیا بالا گزارش شده است. میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۲. بدست آمد.

مقیاس زوجی انریچ: برای بررسی میزان رضایت زناشویی، از فرم کوتاه مقیاس انریچ که دارای ۳۵ سوال است و زیر نظر السون به فارسی برگردانده شده است استفاده شد. طیف نمره گزارای این مقیاس پنج گزینه ای، و برای هر یک از ماده ها کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق و نه مخالف، مخالفم، کاملاً مخالفم در نظر گرفته شده است (آسوده، ۲۰۱۰). مقیاس زوجی انریچ توسط السون (۲۰۰۰) روی ۲۵۵۰۱ زوج متاهل اجرا شد. ضریب آلفای پرسشنامه ۰/۸۷. گزارش شده است. آسوده و همکاران آلفای ۰/۶۸. را برای این پرسشنامه گزارش کردند. میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۴. بدست آمد.

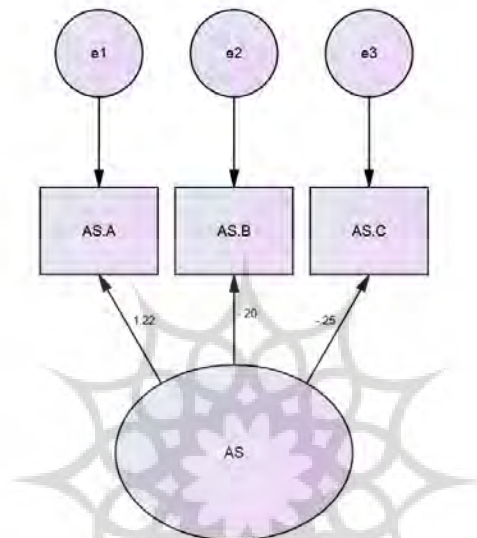
پرسشنامه الگوی ارتباط همسران: به منظور بررسی ارتباط موثر همسران، از پرسشنامه ۳۵ سوالی الگوی ارتباط همسران که به وسیله کریستنسن و سالوی^۱ در سال ۱۹۹۱ تهیه شده است و سه الگوی ارتباط سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل و الگوی توقع/کناره گیری را در رابطه همسران مطرح می‌کند استفاده شد. در ایران عبادت‌پور به منظور برآورد روایی این پرسشنامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ نشان داد که همه مقیاس‌های این پرسشنامه با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ همبستگی دارد. همچنین، پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب در مقیاس‌های ارتباط سازنده متقابل (۰/۷۰)، ارتباط اجتناب متقابل (۰/۷۱) و ارتباط توقع/کناره گیری مرد (۰/۵۱)، ارتباط توقع/کناره گیری زن (۰/۵۲) برآورد نموده است (عبادت‌پور، ۱۳۸۹). میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۵. بدست آمد.

شیوه اجرای پژوهش

روش اجرای پژوهش به این صورت بود که با حضور در مدارس در مورد اهداف اجرای این پژوهش با مسئولین هماهنگی انجام شد و در ادامه پس از ایجاد ارتباط اولیه از طریق بیان اهمیت و اهداف پژوهش و ایجاد حس اعتماد، پرسشنامه‌ها را به همراه مادرشان تکمیل کردند. با توجه به این که در پژوهش حاضر روابط میان متغیرها در چارچوب الگوی علی مطالعه می‌شود برای بررسی مدل مفروض از آمار استنباطی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS22 و AMOS23 تحلیل شدند.

¹. Christensen & Sullaway

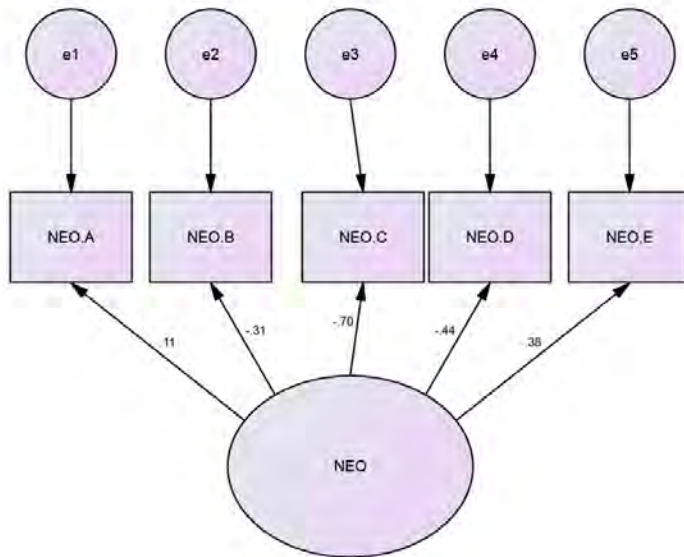
مدل اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی (AS): سبک‌های دلبستگی شامل ایمن، اجتنابی و دوسوگرا است که به لحاظ نظری لزوماً با یکدیگر جمع‌پذیر نیستند بنابراین نمی‌توان در یک مدل عاملی در یک عامل جمع کرد. چنانچه نتوان این سه سبک را در یک عامل جمع کرد، لازم است تا هر سه سبک به عنوان سه متغیر مشاهده شده وارد مدل شوند که باعث پیچیدگی نسبی مدل خواهد شد. لذا در ابتدا مدل عاملی برای سه سبک دلبستگی مورد بررسی قرار گرفت. کدگذاری سبک‌های دلبستگی به ترتیب شامل سبک دلبستگی ایمن (AS-A)، سبک دلبستگی اجتنابی (AS-B) و سبک دلبستگی دوسوگرا (AS-C) بوده است. هرچه نمره فرد در سبک دلبستگی ایمن بالاتر بوده نمرات سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا پایین‌تر بوده است. در نهایت تصمیم گرفته شده که سبک‌های دلبستگی به عنوان سه متغیر مجزا در مدل ساختاری وارد شوند.



شکل ۱. اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی و بارهای عاملی استاندارد (مادر)

مدل اندازه‌گیری صفات شخصیتی نئو (NEO)

صفات شخصیتی نئو به لحاظ نظری لزوماً با یکدیگر جمع‌پذیر نیستند لذا نمی‌توان در یک مدل عاملی پنج بعد را در یک عامل جمع کرد. چنانچه در داده‌های یک تحقیق همبستگی زیاد و معناداری بین پنج صفت شخصیتی وجود داشته باشد این امکان وجود دارد که آنها را در یک عامل جمع کرد. اگر نتوان این پنج صفت را در یک عامل جمع کرد لازم است پنج صفت به عنوان پنج متغیر آشکار وارد مدل شوند. کدگذاری صفات پنج‌گانه شخصیتی، به ترتیب شامل روان‌رنجوری (NEO-A)، انعطاف‌پذیری (NEO-B)، برون‌گرایی (NEO-C)، توافق‌پذیری (NEO-D) و مسئولیت‌پذیری (NEO-E) بوده است. توجیه استفاده از این مدل صرفاً سادگی بیشتر و تفسیرپذیری بیشتر نتایج است.



شکل ۲. اندازه‌گیری صفات شخصیتی نئو (NEO) و بارهای عاملی استاندارد (مادر)

یافته‌ها

به منظور آگاهی از میانگین عملکرد و پراکندگی نمرات شرکت کنندگان در هر یک از متغیرها شاخص‌های میانگین و انحراف معیار در کل گروه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول (۱). شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار
روان رنجورخویی	۳۹/۶۴	۵/۵۵
انعطاف پذیری	۴۲/۱۲	۵/۲۰
برون گرایی	۳۷/۳۰	۵/۱۱
توافق پذیری	۴۲/۰۵	۴/۹۴
مسئولیت پذیری	۳۵/۳۷	۴/۹۸
دلبستگی ایمن	۱۲/۹۱	۲/۹۱
دلبستگی اجتنابی	۱۲/۰۶	۳/۲۶
دلبستگی دوسوگرا	۱۳/۲۰	۳/۶۱
رضایت زناشویی	۱۰۹/۸۵	۱۰/۸۳
ارتباط موثر همسران	۴/۳۰۰	۶/۴۵

ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی (رضایت زناشویی، ارتباط موثر همسران، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی) در جدول ۲ ارائه می‌شود.

جدول (۲). ماتریس همبستگی بین متغیرها در پژوهش حاضر

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
رضایت زناشویی	۱									
ارتباط موثر همسران	۰/۳۲۴**	۱								
سبک دلبستگی ایمن	۰/۳۱۵**	۰/۳۴۶**	۱							
سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۲۱۷**	-۰/۲۳۱**	-۰/۲۴۶**	۱						
سبک دلبستگی دوسوگرا	-۰/۱۹۷**	-۰/۲۹۹**	-۰/۲۹۹**	۰/۰۵۰	۱					
روان رنجوری	-۰/۲۲۵**	-۰/۲۲۰**	-۰/۵۱	-۰/۹۸۰	-۰/۱۹۸**	۱				
انعطاف پذیری	۰/۲۱۶**	۰/۱۶۶**	۰/۰۰۰	-۰/۰۸۰	-۰/۰۷۱	-۰/۰۸۶	۱			
برون گرایی	۰/۴۱۷**	۰/۱۸۶**	۰/۱۲۸*	-۰/۰۹۹	-۰/۱۵۷*	-۰/۰۵۱	۰/۱۸۲**	۱		
توافق پذیری	۰/۲۴۶**	۰/۱۹۲**	۰/۰۷۵	-۰/۰۴۲	-۰/۱۱۹	-۰/۰۲۳	۰/۲۰۳**	۰/۳۱۷**	۱	
مسئولیت پذیری	۰/۳۹۷**	۰/۲۱۶**	۰/۰۷۱	-۰/۰۳۳	-۰/۰۸۸	-۰/۱۰	۰/۱۳۶*	۰/۲۹۰**	۰/۰۹۰	۱

**P111111

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه روان رنجوری با سبک دلبستگی اجتنابی (۰/۹۸۰-) و کمترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه انعطاف پذیری با سبک دلبستگی ایمن (۰/۰۰۰) می‌باشد (سطوح معنی داری برای همه ضرایب $0/01 \leq p$ است).

در مدل‌یابی معادلات ساختاری، برازش مدل و معناداری روابط بررسی می‌شود. به منظور بررسی برازندگی مدل پیشنهادی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. جدول ۳ شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی را نشان می‌دهد.

جدول (۳). مهمترین شاخص‌های برازش کلی مدل مفروض

شاخص‌های کلی	برازش مطلق	برازش تطبیقی	برازش مقتصد
شاخص نمونه	GFI	CFI	RMSEA
مقدار	۰/۹۷۲	۰/۹۶۵	۰/۰۸۷
	CMIN	IFI	PNFI
	۲۲/۱۱۰	۰/۹۶۶	۰/۶۷۰

طبق مندرجات جدول ۳ مقادیر شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی، شامل شاخص‌های برازش مطلق، شاخص‌های برازش تطبیقی و شاخص‌های برازش مقتصد هستند. شاخص‌های برازش کلی مدل در سطح مناسبی هستند. در این مدل ارتباط موثر همسران به عنوان متغیر واسطه‌ای عمل می‌کند که توانسته اند بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای خود را ایفا کنند.

جدول ۴ نشان‌دهنده میزان اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل هر متغیر نسبت به رضایت زناشویی است. مسیر مستقیم ارتباط موثر همسران به رضایت زناشویی (۰/۳۱۵) است که این مقدار به لحاظ آماری معنادار است. اثر مستقیم از دلبستگی اجتنابی به ارتباط موثر همسران (۰/۴۵۷-) و از دلبستگی دوسوگرا به ارتباط موثر همسران (۰/۵۳۴-) است که هر دو منفی و معنادار هستند. بر اساس نتایج در جدول (۴) اثر مستقیم دلبستگی اجتنابی به رضایت زناشویی منفی و معنی دار (۰/۵۰۰-) است که در جهت پیش بینی شده قرار دارد.

اثر مستقیم دلبستگی دوسوگرا به رضایت زناشویی (۰/۳۲۷-) معنادار است و با همبستگی دو متغیر مطابقت دارد. مسیرهای غیر مستقیم دلبستگی اجتنابی (۰/۲۲۲-) و دلبستگی دوسوگرا (۰/۲۶۱-) به رضایت زناشویی منفی و معنی دار هستند. مسیر مستقیم

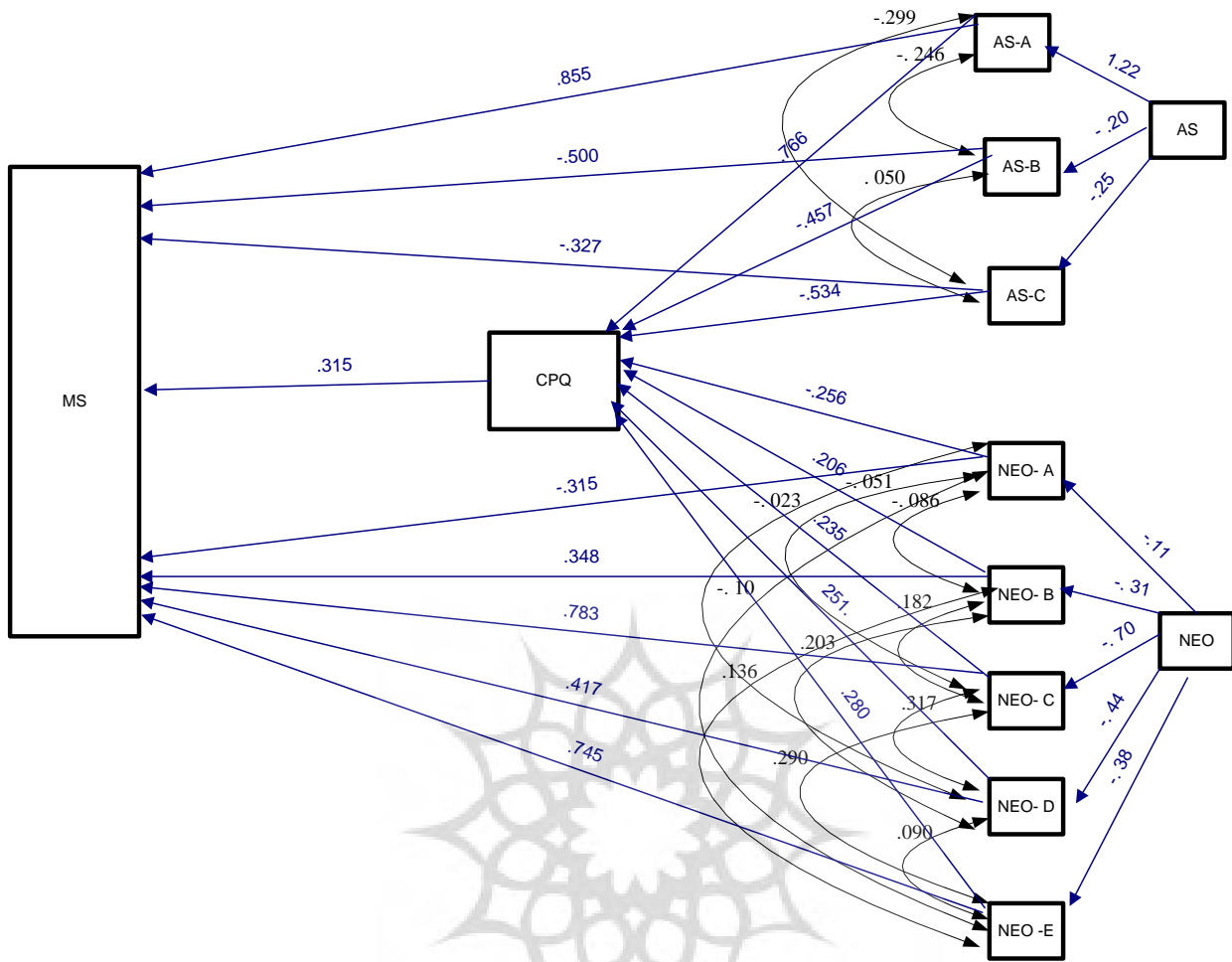
انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی، توافق‌پذیری، مسئولیت‌پذیری با ارتباط موثر همسران و رضایت زناشویی مثبت و معنادار و مسیر مستقیم روان‌رنجوری با ارتباط موثر همسران و رضایت زناشویی منفی و معنی‌دار هستند.

جدول (۴). برآورد اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل جهت پیش‌بینی رضایت زناشویی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
دلبستگی ایمن بر رضایت زناشویی	۰/۸۵۵	۰/۳۱۴	۱/۱۶۹
دلبستگی اجتنابی بر رضایت زناشویی	-۰/۵۰۰	-۰/۲۲۲	-۰/۷۲۲
دلبستگی دوسوگرا بر رضایت زناشویی	-۰/۳۲۷	-۰/۲۶۱	-۰/۵۸۸
روان‌رنجوری بر رضایت زناشویی	-۰/۳۱۵	-۰/۱۲۴	-۰/۴۳۹
انعطاف‌پذیری بر رضایت زناشویی	۰/۳۴۸	۰/۱۰۲	۰/۴۵۰
برون‌گرایی بر رضایت زناشویی	۰/۷۸۳	۰/۱۰۱	۰/۸۸۴
توافق‌پذیری بر رضایت زناشویی	۰/۴۱۷	۰/۱۲۱	۰/۵۳۸
مسئولیت‌پذیری بر رضایت زناشویی	۰/۷۴۵	۰/۱۱۸	۰/۸۶۳
دلبستگی ایمن بر ارتباط موثر همسران	۰/۷۶۶	-	۰/۷۶۶
دلبستگی اجتنابی بر ارتباط موثر همسران	-۰/۴۵۷	-	-۰/۴۵۷
دلبستگی دوسوگرا بر ارتباط موثر همسران	-۰/۵۳۴	-	-۰/۵۳۴
روان‌رنجوری بر ارتباط موثر همسران	-۰/۲۵۶	-	-۰/۲۵۶
انعطاف‌پذیری بر ارتباط موثر همسران	۰/۲۰۶	-	۰/۲۰۶
برون‌گرایی بر ارتباط موثر همسران	۰/۲۳۵	-	۰/۲۳۵
توافق‌پذیری بر ارتباط موثر همسران	۰/۲۵۱	-	۰/۲۵۱
مسئولیت‌پذیری بر ارتباط موثر همسران	۰/۲۸۰	-	۰/۲۸۰
ارتباط موثر همسران بر رضایت زناشویی	۰/۳۱۵	-	۰/۳۱۵

** $P \leq 0/01$

در شکل ۳ مدل ساختاری حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری برای آزمون فرضیه ارائه شده است.



شکل 3: مدل معادله ساختاری برای بررسی روابط متغیرهای پژوهش و مدل تدوین شد.

براساس شکل ۳ مدل نظری پژوهش تایید و به عنوان مدل نهایی پژوهش پذیرفته می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند با در نظر گرفتن نقش میانجی‌گرایانه ارتباط موثر همسران مدل مطلوبی را ارائه دهند. بدین معنا که سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی باعث اثرگذاری بر ارتباط موثر همسران می‌شود و با لحاظ این تعامل، رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با نقش میانجی ارتباط موثر همسران در مادران کودکان صورت گرفت. نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به طور مستقیم و از خلال ارتباط موثر همسران به طور غیر مستقیم می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. اکثر پژوهش‌های پیشین نشان داده بودند که بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی ارتباط وجود دارد. به عنوان مثال، ناقتل و

شاور نشان دادند بین سبک دلبستگی و رضایت زناشویی ارتباط وجود دارد (نوفتل و شاور، ۲۰۰۶). استرانگ و کوهن^۱، کاستا و مک-کری نشان دادند ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۹؛ استرانگ و کوهن، ۲۰۱۳). همچنین نتایج دیگر پژوهش‌ها نشان داده است که بین ارتباط موثر همسران و رضایت زناشویی ارتباط وجود دارد (کاگلین، هوستون و هوتس، ۲۰۰۰؛ اشمیت^۲، ۲۰۰۳). با این حال، تفاوت اصلی بین یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های پیشین در روش پژوهش بود. در این پژوهش از مدل‌یابی ساختاری جهت تبیین رضایت زناشویی استفاده شد. در حالی که پژوهش‌های قبلی از روش‌های همبستگی و رگرسیون استفاده کرده بودند. براساس مدل ساختاری بدست آمده مسیر مستقیم و غیر مستقیم سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به رضایت زناشویی معنادار بود. نمرات بالا در سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و روان رنجوری باعث کاهش ارتباط موثر همسران و در نهایت رضایت زناشویی پایین خواهد شد. بنابراین دلبستگی ایمن و مسئولیت‌پذیری همسران باعث افزایش رضایت زناشویی و دلبستگی دوسوگرا منجر به کاهش این رابطه می‌شود. در تبیین این نتایج می‌توان بیان داشت، در یک رابطه زناشویی زن و شوهری که دارای سبک دلبستگی ایمن باشند بیشتر احتمال دارد که همدیگر را دوست داشته باشند، خوش مشرب باشند و تقاضای حمایت داشته باشند برعکس، زوجینی که دارای سبک دلبستگی مخالف هم هستند (ایمن و نایمن) کمتر به همدیگر اعتماد دارند، کمتر به ارضای نیازهای اساسی همدیگر از جمله آرامش، مراقبت و کامرواسازی جنسی توجه دارند (نوفتل و شاور، ۲۰۰۶). در واقع زوجین نایمن (اضطرابی و اجتنابی) بر اساس مدل‌های ذهنی خود که منبعث از دلبستگی نایمن در روابط اولیه کودکی می‌باشد، در روابط بزرگسالی نیز ترس از ترک و طرد شدن و دوست داشتنی نبودن خود و دیگران دارند و لذا پیوسته در زمینه‌های ارتباطی خود گوش به زنگ نشانه‌هایی هستند که روان‌سازه‌های شناختی آنها را تایید کند، در نتیجه به هنگام وقوع یک رفتار منفی فعال کننده، زوج نایمن با توجه به این فرضیات ذهنی شروع به فرایند اسناد دهی به شیوه منفی می‌کند و دلایل رفتار منفی همسر خود را پایدار و غیر قابل تغییر تعبیر کرده و آنها را به کل شخصیت او و به کل حوزه‌های روابط او تعمیم می‌دهد که در نهایت باعث کاهش رضایت زوجین از رابطه می‌شود (خجسته مهر، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. به عنوان مثال برون‌گراها تمایل بیشتری به مثبت‌اندیشی دارند داشتن تصور مثبت در مورد ویژگی‌های شخصیتی همسر باکیفیت زندگی زناشویی به طور مثبت رابطه دارد. در تحلیل این مطلب می‌توان به این موارد اشاره کرد که در صورت هماهنگی، تشابه ویژگی‌های شخصیتی همسران موجب هماهنگی اهداف، عقاید، آرزوها، خواسته‌ها و نیازها و تشابه در سبک زندگی می‌شود و با دریک راستا قرار گرفتن در فرایند ازدواج افراد کمتر دچار تعارض و تضاد در زندگی زناشویی می‌شوند و به نظر می‌رسد زندگی بهتر و شادتری نسبت به افراد دارای تفاوت خواهند داشت. ویژگی‌های شخصیتی و باورهای افراد از طریق ساز و کارهای متعددی در عرصه روابط و فرایندهای تعاملی زوج‌ها وارد می‌شود و زمینه را برای بروز رضایت یا نارضایتی زناشویی فراهم کرده که در صورت عدم پیشگیری و درمان چنین مسائلی می‌تواند منجر به دلزدگی زناشویی گردد. گاهی در یک رابطه همسران در عمل‌ها و رویدادهای واحد مفهوم و برداشت‌های متفاوت دارند که این می‌تواند ناشی از ویژگی‌های شخصیتی افراد باشد که باعث می‌شود همسران پدیده‌ها را به شیوه‌های مختلف ادراک کنند و ممکن است از رفتارهای همدیگر سوء برداشت کنند که منجر به تعارض و گاهی رفتارهای کودکانه می‌شود. همسرانی که ویژگی شخصیتی نزدیکی دارند پذیرای خصوصیات یکدیگر بوده و در نتیجه سوء تفاهم میان آنها کم‌رنگ می‌شود.

در مسیر بعدی ارتباط موثر همسران نتوانست به گونه غیر مستقیم رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند، اما به صورت مستقیم نتوانست آن را پیش‌بینی کند. به عبارتی، ارتباط موثر همسران نیز نتوانست به طور معناداری در رابطه میان سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی وساطت کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت الگوی ارتباط سازنده به گونه طبیعی به

¹ Strong & Chohen

² Schmitt

دلیل افزایش احتمال حل مساله و کاهش احساسات منفی ناشی از ناتمام ماندن حل مشکلات، کیفیت رابطه را بهبود می بخشد. لذا، طبیعی است زوجینی که از ارتباطی سازنده برخوردارند و به گونه منطقی و به دور از توقعات بیجا و همچنین، اجتناب غیر منطقی از بحث و تعارض، با هم ارتباط دارند، رضایت زناشویی بالاتری را نشان دهند. در واقع الگوی سازنده واجد تعاملاتی قاعده مند و سالم می باشد که اگر چه فاقد تعارض نیست اما واجد حل تعارضی سالم است که رضایت زناشویی را افزایش می دهد. نتیجه بسیاری از شواهد تجربی نشان می دهد اگر رابطه بین همسران موثر نباشد رضایت حاصل از آن به دست نمی آید (کریستوفر و اسپرچر، ۲۰۰۰). از طرفی، رابطه‌ی معنادار سبک های دلبستگی با ارتباط موثر همسران نشانه ای از توانمندی افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در برقراری روابط بین فردی سالم تر در مقایسه با افراد دارای سبک دلبستگی نایمن است که این نتیجه اهمیت و نقش سبک های دلبستگی را در حیطه‌ی روابط بین فردی برجسته می سازد (اشمیت، ۲۰۰۳).

بطور کلی یافته‌ها نشان دهنده نقش ارتباط موثر همسران در تبیین رضایت زناشویی بود. در نهایت بر اساس یافته های پژوهش پیشنهاد می شود به علت عدم توجه عموم افراد به خدمات مشاوره ای، از افراد متخصص در امر خانواده درمانی و مشاوره برای آگاهانیدن اهمیت الگوهای ارتباطی در بهبود روابط زناشویی و ارتباط ویژگی های شخصیتی همسران و رابطه موثر همسران از رسانه گروهی استفاده به عمل آید. از محدودیت‌های این پژوهش می توان به تعدد پرسشنامه ها به خاطر وجود چندین متغیر اشاره کرد هرچند در بیشتر موارد از پرسشنامه های کوتاه استفاده شد ولی با این وجود تعدد سوال ها ممکن است باعث خستگی شرکت کنندگان شده باشد. همچنین عدم کنترل متغیرهای مداخله گر مانند سطح تحصیلات والدین اشاره کرد که پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی این محدودیت مورد توجه قرار گیرد.

سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه است. از مساعدت شرکت کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می شود.

منابع

بزرگر، اسماعیل؛ و سامانی، سیامک. (۱۳۹۵). نقش واسطه ای صمیمیت در رابطه بین الگوهای ارتباطی و کیفیت زندگی زناشویی. **فصلنامه زن و جامعه**، ۱۱-۱۲۸، (۲) ۷

جاویدی، نصرالدین. (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین. **مجله تحقیقات علوم رفتاری**، ۵، ۱۱-۳۴.

خجسته مهر، رضا؛ کوچکی، رحیم؛ و رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۱). نقش واسطه ای اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیرسازنده در رابطه بین سبک های دلبستگی و کیفیت زناشویی. **روانشناسی معاصر**، ۷ (۲)، ۳-۱۴.

دانش، علی. (۱۳۸۴). تاثیر روش تحلیل محاوره ای در سازگاری زناشویی زوجهای ناسازگار. **چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی**.

صیادپور، زهره. (۱۳۹۴). شیوه های دلبستگی در رضایت از ازدواج. **مجله مطالعات روانشناختی دانشگاه الزهراء**، ۱ (۳)، ۱۹-۴۱.

عارفی، مختار؛ و محسن زاده، فرشاد. (۱۳۹۱). سبک های دلبستگی، فرایندهای تعامل زناشویی و رضایت زناشویی. **فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده**، ۲ (۳).

عارفی، مختار؛ محسن زاده، فرشاد؛ قزلباش، زهرا؛ صادقیور، آتوسا؛ و شیخ اسمعیلی، دنیا. (۱۳۹۳). همسانی شخصیتی دلبستگی، پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی. **فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده**، ۴ (۳).

عارفی، مختار؛ نوایی نژاد، شکوه؛ شفیق آبادی، عبدا...؛ و کیامنش، علیرضا (۱۳۹۱). سبک های دلبستگی، جنسیت، رضایت زناشویی. *پژوهشنامه تربیتی*، ۳۱.

محرابی، حسین؛ و عظیمی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی رابطه کیفیت زندگی و رضایت زناشویی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز گناباد. *ویژه‌نامه سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم تربیتی*، ۵-۵۸۲.

نوایی نژاد، شکوه. (۱۳۸۷). *خانواده درمانی*. تهران، نشر مطالعات و تحقیقات خانواده، انجمن اولیا و مربیان.

Allendorf, K. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage Society. *Socsci Res*, 42(1): 59-70.

Asoodeh, M.H. (2010). Factors of successful marriage: accounts from self-described happy couples. *Procedia social and behavioral science*, 5, 2042-2046.

Barelds, D.H. (2005). Self and partner personality in intimate relationships. *European Journal of Personality*, 19, 501-518.

Bowlby, J. (1988). *Attachment and Loss*. 2nded. New York: Basic books, 54-55.

Caughlin, J.P., Huston, T.L., & Houts, R.N. (2000). How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety inter personal negativity, and marital satisfaction. *Journal of personality and social psychology*, 78, 326-336.

Christensen, A & Sullaway, M. (1991). *Communication patterns Questionnaire*. Unpublished manuscript, university of California, los angles.

Christopher, F.S. & Sprecher, S. (2000). Sexuality in marriage, dating and other relationships. *Journal of Marriage and family*, 62, 999-1017.

Costa, P.T. & McCrae, R. R. (1999). *Revised NEO personality inventory And NEO five factor inventory*. Lutz, Florida: Psychological Assessment Resource, Inc.

Decuyper, M., De Bolle, M. & De Fruyt, F. (2012). Personality similarity, perceptual accuracy, and relationship satisfaction in Dating and married couples. *Personal Relationships*, 19, 128 145.

Dole, C. & Schroeder G.R. (2001). The impact of various factors on the personality, job satisfaction and turnover intentions of professional accountants. *Managerial Auditing*, 16 (4), 234 -245.

Donnellane, M.B., Conger, R. D. & Bryant, C.m. (2004). The big five and Enduring marriage. *Journal of Research in Personality*, 38,481-504.

Dyrenforth, P.S., Kashy, D.A., Donnellan, M.B. & Lucas, T. (2010). Predicting relationship and life satisfaction from personality in nationally representative samples from three countries: The relative importance of actor, partner, and similarity effects. *Journal of Personality and Social Psychology*, 99, 690 702.

Emma E. Altgelt & Andrea L. Meltzer. (2019). Mate-retention behaviors mediate the association between spouses' attachment insecurity and subsequent partner satisfaction. *Personality and Individual Differences*. Volume 151, 1.

Feeney, J. A., Noller, P. & Callan, V. J. (1994). Attachment Style, Communication, and satisfaction in the Early Years of Marriage. *Advanced in Personal Relationship*, 5, 269- 308.

Halford, W.K., & Snyder, D. (2012). Universal processes and common factors in couple therapy and relationship education. *Behavior Therapy*, 43, 1-12

Heller, D., Watson, D. & Hies, R. (2004). *The role of person versus situation in life satisfaction: A critical examination*. Psychological Bulletin, 130, 574, 600.

- Hollist, C.S. & Miller, R.B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54, 46-58.
- Jarvis, M.O. (2006). The long term role of newlywed conscientiousness and religiousness in marriage. Unpublished Doctoral Dissertation. *Journal of personality and social psychology*, 38, 668-678.
- Karahan, T. & Fikret, D. (2007). The Effects of a couple communication program on passive conflict tendency among married couples. *Educational sciences: Theory and Practice*. 7(2), 845-858.
- Kurdek, L.A. (1993). Predicting marital dissolution: 5 Year Prospective longitudinal study of newlywed couples. *Journal of Personality and social psychology*, 64, 221-242.
- Mead, N. (2005). Personality predictors of relationship satisfaction among engaged and married couples: An analysis of actor and partner effects. Master of Science. *Marriage Family and Human Development School of Family Life*, 1-11.
- Miniati, M., Callari, A., & Pini, S. (2017). Adult attachment style and suicidality. *Psichiatria Danubina*, 29(3), 250-259.
- Noftle, E.E. & Shaver, P.R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Association and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 40, 179-208.
- O'leary, S., & Vidair, B. (2005). Marital adjustment, child-rearing disagreement, and over reactive parenting: Predicting child behavior problems. *Journal of Family psychology*, 19, 205-216.
- Olson, D.H. (2003). *Marriage and Families*. Boston: McGraw Hill: 5-7.
- Raykov, T., & Marconlides, G.A. (2006). *A first course in structural equation modeling*, 2nd Edition, Mahwah, and N.J: Erlbaum.
- Ron, P. (2016). The relationship between attachment styles in adulthood and attitudes towards filial responsibility. *Psychology*, 7, 741-752.
- Sanford, k. (2010). Assessing conflict communication in couples comparing the validity of self-report, partner-report, and observer ratings. *Journal of family psychology*, 24(2), 165-174.
- Schmitt, D.P. (2003). Is short-term mating the result of insecure attachment? A test of competing evolutionary perspectives. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 747-768.
- Shaver, P.R., Hazan, C. & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: The integration of three behavioral systems. In R.J. Strenberg, & M. Barnes (Eds.). New Haven, CT: Yale University Press. *The Psychology of love*, 68-99.
- Strong, B. & Chohen, T. (2013). *The marriage and Family experience intimate relationships in changing society*. United Kingdom: Cengage learning. 10ed: Thomson Higher Education, Belmont, USA.
- Tamara, L.G., & Bennett, E.P. (2015). *Big Five Psychiatry*. 72, 288-294.
- Towler, A.J., & Stuhlmacher, A.F. (2013). Attachment Styles, Relationship Satisfaction, and Well-Being in Working Women. *The Journal of Social Psychology*, 153, 3, 279-298.
- Vanjelist, A.L. (2011). *Handbook of family communication*. London: Lawrence Erlbaum.
- Whisman, A., Gilmour, L. & Salinger, M. (2018). Marital satisfaction and mortality in the United States adult population. *Health psychology*, 37(11).
- Xuemei Hu, J., & Tarrezz Nash, Sh. (2019). *Marriage and the Family: Mirror of a Diverse Global Society*. Routledge.